

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

فرستنده: علی کاظمی - ایران
۱۸ جون ۲۰۱۷

گزارشی از وضعیت کارگران ایران

خرداد [جوزا] ۱۳۹۶

با سلام های گرم

وضعیت کارگران در ایران از جوانب مختلف طی سالیان اخیر رو به قهقرا داشته و تبدیل به یک بحران جدی گردیده است. از نقطه نظر اقتصادی، دغدغه کارگران بیکاری چند میلیونی از یک سو و دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر از سوی دیگر است. به طوری که بسیاری از نیازهای انسانی نظیر تغذیه سالم و مقوی، آموزش، بهداشت، مسافرت و... برای کارگران تبدیل به کالاهایی لوکس و دست نیافتنی شده است. در مورد نیازهای اساسی نظیر خوراک و پوشاک، خانواده های کارگری مجبوراند محدودیت های زجر آور را تحمل کنند. دولت برای تعیین دستمزد کارگران حتا حاضر به رعایت قانون کار که تأکید دارد حداقل دستمزد باید نیازهای یک خانواده را برآورده کند نیست. تعرض به دستمزد کارگران به تعیین دستمزد چند برابر زیر خط فقر ختم نمی شود و دولت به طور مستمر با ارائه طرح و تصویب آئین نامه هائی نظیر طرح استاد شاگردی و آئین نامه کارورزی تلاش دارد به بهانه رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال قیمت نیروی کار را حتی به یک سوم حداقل دستمزد کنونی کاهش دهد، با وجود این که دستمزد کارگر بخش ناچیزی از قیمت تمام شده کالاها و خدمات را در برمی گیرد. تعرضات دولتی به معیشت کارگر همچنین از طریق اختیاری کردن بیمه نمودن کارگر توسط کارفرما و گنجاندن آن در طرح ها و آئین نامه های مذکور به طور مستمر پیگیری می شود.

سطح ایمنی و بهداشت کار بسیار پائین است و عدم رعایت ایمنی در کارگاه های صنعتی و ساختمانی کارگران را هر روزه به کام مرگ می برد. حوادثی نظیر آتش سوزی ساختمان پلاسکو و ریزش معدن زمستان یورت که منجر به کشته شدن چهل و سه تن از معدنچیان شد تنها نمونه هائی شناخته شده از حوادثی است که رخ داده است. این حوادث به دلیل وسعت آن مورد توجه رسانه ها قرار می گیرد و توجه بسیاری را جلب می کند، اما حوادث کار به خصوص در بخش ساختمانی بسیار فراتر از این موارد هستند و روزانه تلفات جانی از کارگران این بخش می گیرد.

دستمزد های ناچیز کارگران ماه ها معوق می شود و مستند به اعتراضات توده ئی کارگران کارگاه هائی وجود دارد که پرداخت دستمزد کارگزارانش بیش از یک سال معوق شده است و زندگی فقیرانه کارگران را با تباهی مواجه ساخته است. روند معوق شده دستمزد کارگران نسبت به سال های گذشته متأسفانه رشد قابل توجهی دارد.

در چنین شرایطی که دستمزد کارگران معوق می شود متأسفانه قراردادهای موقت حتی یک ماهه و قراردادهای سفید امضاء بسیار رشد داشته است. علاوه بر این تعطیلی کارخانه ها و بیکار شدن کارگران سطح امنیت شغلی را نسبت به سال های گذشته بسیار کم کرده و تبدیل به موضوعات بغرنج برای کارگران شده است.

ریشه اصلی تحمیل فقر به کارگران، علاوه بر سیاستهای اقتصادی مدافع کارفرمایان و بازار آزاد نظیر خصوصی سازیها، ممانعت دولت از ایجاد سندیکا و تشکل های مستقل کارگری می باشد و به همین دلیل راه سازماندهی کارگران برای دفاع از حقوق شان مسدود شده است. با کارگرانی که سندیکا و تشکیلات مستقل خود را ایجاد کرده اند نظیر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای نقاشان البرز و کانون صنفی معلمان برخوردهای خشن صورت گرفته و کارگران و معلمان پیشرو در سندیکاها زندانی شده و یا از کار اخراج شده اند. فعالان کمیته های کارگری نیز از این قاعده مستثنی نبوده اند. حتی با کارگرانی که بنابر شرایط بغرنج به وجود آمده برایشان نظیر عدم پرداخت دستمزد چندین ماهه و یا از دست دادن شغل خود تجمعات اعتراضی برگزار می کنند برخورد های پولیسی و قضائی صورت می گیرد. کارگران معدن بافق و معدن چادر ملو و معدن آق دره نمونه هایی از قربانیان برخورد های خشن دولتی هستند. به طور مثال کارگران معدن آقا دره را با احکام قضائی شلاق زدند.

وضعیت معیشتی و حق و حقوق معلمان با شرایط بحرانی روبه رو بوده است، از جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد: بیمه معلمان علی رغم دریافت هزینه های بالا، خدمات را به شکل مطلوبی ارائه نمی دهد و موارد تحت پوشش آن کامل نیست. تعدادی از معلمان فعال صنفی در شهرهای مختلف به ویژه تهران با اتهاماتی به دور از واقعیت، به انواع مجازات ها از زندان طولانی، تبعید از محل سکونت یا اشتغال، اخراج، انفصال از خدمت و... محکوم گردیده اند. به دلیل کاستی های مختلفی که در نظام آموزشی وجود دارد، سطح کیفی آموزش از دید معلمان دلسوز و متخصصان بسیاری پائین بوده و دانش آموزان اغلب پس از دریافت دیپلم، از توانایی های لازم برای ورود به بازار کار برخوردار نیستند. بین آموزه های مدرسه و دانشگاه و همچنین زندگی روزمره هیچ همخوانی و رابطه ای وجود ندارد. به رغم تأکید اصل ۳۰ قانون اساسی مبنی بر رایگان بودن آموزش های عمومی، حتی مدارس دولتی ایران نیز دانش آموزان را باروش های گوناگون وادار به پرداخت پول می نمایند و تبدیل به مدارس آزاد شده اند. شهریه مدارس آزاد (غیردولتی) بسیار بالاست و عملاً شکاف طبقاتی موجود در جامعه را به بخش آموزش منتقل نموده است. معلمان روزمزد با عنوان های گوناگون و دستمزدهای ناچیز به کار گرفته می شوند که همان دستمزد نیز با تأخیرهای فراوان به آنان پرداخت می شود؛ ضمن این که از هیچ گونه پوشش بیمه، بازنشستگی و امنیت شغلی نیز برخوردار نیستند. درایران بیش از ۱۳ عنوان مدرسه (آزاد، غیردولتی، هیات امنائی، نمونه دولتی، شاهد، نمونه مردمی و...) ایجاد شده که هرکدام به نوعی سیستم آموزشی را تبدیل به بنگاه هایی برای جذب درآمد کرده اند. حقوق معلمان بسیار پائین تر از میانگین هزینه های یک خانواده متوسط در اغلب شهرهای ایران است؛ به طوری که معلمان برای تأمین هزینه های خانواده بناچار به شغل های متفرقه و برخی به دور از شان معلمی روی آورده اند. آنان به این ترتیب فرصت به روز نمودن دانش خود را از دست می دهند. به استثنای تعدادی از مدارس خاص، اغلب مدارس مجهز به امکانات لازم برای فعالیت های آموزشی و پرورشی نیستند. درصد بالائی از مدارس در شهرها و به ویژه روستاهای دور افتاده ایمنی کافی برای حفاظت از جان دانش آموزان را ندارند. به آموزش مهارت های زندگی، هنر و ورزش توجه کافی صورت نمی گیرد. در برخی موارد از کمترین امکانات نیز در این زمینه ها برخوردار نیستند. برنامه تغذیه رایگان (شیر) به درستی اجراء نمی شود. معمولاً به میزان لازم و پیش بینی شده تأمین اعتبار نمی شود. در پرداخت پاداش پایان خدمت معلمان

از طرف دولت تأخیرهای طولانی، گاه تا چند سال دیده می شود. به سرنوشت معلمان بازنشسته در این مدت و پس از بازنشستگی بی توجهی وجود دارد.

کارگران بیشکر هفت تپه در چندین سال اخیر برای به دست آوردن مطالبات خود بارها دست به اعتراض و اعتصاب زده اند. از جمله این خواسته ها دریافت حقوق معوقه و پرداخت مناسب دستمزدها، مزایا و اضافه کاری، روشن شدن وضعیت بازنشستگان و حق ایجاد تشکل مستقل کارگری بوده است. همچنین این کارگران علیه سیاستهای خصوصی سازی دولت در صنعت بیشکر که منجر به بدتر شدن وضعیت کارگران و همچنین حضور گسترده تر نیروهای امنیتی و انتظامی در محیط های کار شده است اعتراضات متعددی را از جمله در روزهای اخیر سازمان داده اند.

دولت تنها تشکلاتی دست ساز به نامهای "شورای اسلامی کار"، "انجمن صنفی" و "نماینده کارگر" را به رسمیت می شناسد. این نهادهای وابسته به دولت به هیچ عنوان تشکل های واقعی کارگری نیستند و همگی در پروسه غیر دموکراتیک غالباً بدون برگزاری مجمع عمومی تشکیل شده اند و وابستگی های شدید به قدرتها و جناحهای دولتی دارند و تنها خطوط ترسیم کرده دولت را رعایت می کنند. این تشکلات فرمایشی خود مانعی جدی برای تشکیل سندیکاها و تشکلهای مستقل کارگری و صنفی هستند. به طور مثال در سال ۸۴ افرادی تأثیر گذار در شورای اسلامی کار و خانه کارگر که مدیریتی اثر گذار در این تشکلات رسمی دارند با هماهنگی پولیس به ساختمان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حمله و اقدام به تخریب وسایل موجود در ساختمان کردند. آنان همچنین اعضای سندیکای واحد که در ساختمان حضور داشتند را مضروب و مجروح کردند. به طبع افرادی که در چنین بستری و با حمایت دولت به عنوان "نمایندگان کارگران" گزینش می گردند چه در مذاکرات با دولت و کارفرمایان و چه در اجلاسهای بین المللی نظیر سازمان جهانی کار نمایندگان واقعی کارگران ایران نبوده و آنها را با چنین عنوانی نباید به رسمیت شناخت و اعتبار نامه برایشان صادر کرد.

با وجود تمامی محدودیتها و اعمال فشارهای فوق، اعتراضات کارگری در ایران رشد قابل توجهی به لحاظ کمی و کیفی داشته تا جایی که بخشی از اعتراضات به سطح شهرها کشیده شده و یا با حضور خانواده ها همراه شده است. سال گذشته شاهد هزاران اعتراض کارگری در تمامی بخشهای صنعتی و خدماتی و دولتی بودیم. اما لازم به تأکید است، کلیه این اعتراضات بدون وجود تشکلات مستقل و به عقب راندن این محدودیتها موفق به تحمیل خواسته های گسترده کارگری و عبور از این وضعیت بحرانی نخواهد شد. ما تشکلات مستقل ذیل از همکاران گرامی در تشکلات کارگری بین المللی می خواهیم که حمایت خود را از کارگران و معلمان ایران هر چه گسترده تر ادامه دهند و در این تلاش و مبارزه یار و همراه ما باشند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

کانون صنفی معلمان تهران

سندیکای کارگران بیشکر هفت تپه

سندیکای کارگران نقاشان استان البرز

<http://vahedsyndica.com/archive/2712>